

مردم را کنار نگذارید و رد نکنید، بلکه آن‌ها را در کار وارد کنید. در کارهایی که آن‌ها می‌توانند انجام بدهند، دستشان را باز بگذارید تا خدمت کنند. دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی کنید.

۳- حلقه‌های میانی؛ سازوکار جمهوریست پساانتخاباتی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای حرکت عمومی به سمت چشم‌انداز بیانیۀ گام دوم انقلاب وجود دارد، ولی باید: اولاً انضباط پیدا کند و یک حرکت عمومی صحیح و منتظم و معقول و منضبط - یعنی حرکت، غوغاسالارانه و بلبشویی و مانند این‌ها نباشد که ارزشی ندارد - باید انجام بگیرد؛ ثانیاً سرعت پیدا کند و پیشرفت‌ش به سمت آن چشم‌انداز، محسوس باشد. این حرکت به طبع با محوریت جوان متعهد است. حال فرایند ورود جوانان به این حرکت عمومی چیست؟ این امر احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه، جوان‌های جامعه را به پیش ببرد؛ که البته نه به عهدۀ رهبری است، نه به عهدۀ دولت، نه به عهدۀ دستگاه‌های دیگر، بلکه به عهدۀ جریان‌های حلقه‌های میانی است؛ یعنی مجموعه‌هایی از خود ملت که نخبه‌های فکری در میان جوانان و مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری هستند. به این ترتیب، حلقه‌های میانی، مراکز برنامه‌ریزی و هدایت هستند (در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱). فعالان عرصۀ غیررسمی، دودسته‌اند: یکی «حلقه‌های میانی» و دیگری «گروه‌های خودجوش». حلقه‌های میانی، چهار ویژگی دارند، از جمله اینکه «جنبۀ نخبگانی و فکری» دارند؛ یعنی می‌توانند در سطح راهبردی، «اندیشه‌پردازی» کنند و «تحول» و «بازسازی انقلابی» را رقم بزنند. در واقع، اینان را باید «عقل منفصل انقلاب» دانست. این در حالی است که گروه‌های خودجوش، به طور ضروری، فکرپرداز و راهبردها ساز نیستند، چنان‌که ممکن است «کار جهادی و عملیاتی» کنند و «خدمات اجتماعی» ارائه دهند. پس حلقه‌های میانی به مثابۀ «عقل» هستند و گروه‌های خودجوش به مثابۀ «دست‌وپا».

۴- کج‌فهمی‌ها؛ نبایدهای جمهوریست پساانتخاباتی

توصیۀ آیت‌الله خامنه‌ای این است که برای «نمایش» کار نکنید. اینکه شما به فکر این باشید که «مردم» از شما خوششان بیاید و «رضای الهی» را مورد نظر قرار ندهید، «برکت کار» را از بین می‌برد و خیلی اوقات، کار به نتیجه هم نمی‌رسد. همچنین تعارض منافع، فقط در اقتصاد نیست؛ بلکه در بخش‌های دیگر هم تعارض منافع هست. اگر من و شما در «توجه مردم به ما»، یک منفعتی داریم، یک منفعت هم «منفعت عمومی کشور» است، اینجا تعارض منافع است؛ کدام را «مقدم» خواهیم کرد؟ اگر ما «آبرو و توجه مردم به خودمان» را مقدم دانستیم بر آنچه «نفع کشور» در آن است، این مصداق تعارض منافع است؛ باید «خدا» را در نظر داشته باشیم (در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۱/۱/۲۳). جمهوریست و مردم‌مداری، یک شعار سیاسی و انتخاباتی نیست که فاقد واقعیت عینی و حقیقت‌گرا